



مسائل معلم و دانش‌آموزان را حل کند، یک عده خارج می‌شوند. مثلاً می‌روند وارد سازمان دیگر می‌شوند و شغل دیگری را انتخاب می‌کنند. یا موقعی که کسانی ناراضی‌اند از خود وضعیت جامعه ایران یا وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مهاجرت می‌کنند. این یک دسته از واکنش‌ها است. واکنش دوم بی‌اعتنایی است. یک عده تصمیم می‌گیرند که با همین وضعیت نابسامان کنار بیایند و به رغم اینکه ناراضی هستند، اعتراضی نکنند. بنابراین نه خارج می‌شوند از سیستم و نه اظهار نارضایتی می‌کنند. باز جمع کثیری هستند که مثلاً چه در نظام آموزش پرورش و چه در سطح ملی در ایران، ناراضی هستند ولی اعتراض نمی‌کنند، اظهار نارضایتی نمی‌کنند، یا ناتوانند و یا نمی‌خواهند خارج بشوند از ایران. این‌ها گروه دومی هستند که ساکتین هستند یا بی‌اعتنایان به وضع موجود.

### اشکال مختلف گروه های معترض به وضع موجود

دکتر مدنی پس از این مقدمه در ادامه گفت: گروه سوم هم معترضین هستند. یعنی آن‌هایی که در ساختار می‌مانند اما اعتراض می‌کنند. این اعتراض اشکال مختلفی دارد یا اعتراض خصوصی است یعنی در یک جمع محدود است یا اعتراض عمومی است، اعتراض در در بین جمع همکاران است، یا اعتراض ضد ساختاری می‌کنند. کار جنبش‌های اجتماعی این است که از دو گروه ناراضی که گزیند خروج یا گزیند سکوت یا بی‌اعتنایی را انتخاب می‌کنند به گروه معترضین دعوت کنند. یکی از مهمترین کارکردهای جنبش‌های اجتماعی این است که افراد ناراضی را وادار کنند به کنش فعال، کنش فعال اعتراضی. و به نظر می‌رسد که جنبش معلمان در ایران در این مسیر حرکت می‌کند و در این مسیر هم موفق بوده است.

### کارکردهای جنبش های اجتماعی

این جامعه شناس افزود: خوب حالا سوال این است که این افزودن به معترضان و کاهش ساکتین و بی‌اعتنایان برای چیست؟ برای این است که در جریان اعتراض جنبش‌های اجتماعی سه کارکرد اصلی را ایفا کنند. یکی رابط یا میانجی باشد بین گروه ناراضی و مدیریت آن سازمان در سطح نظام آموزشی، در واقع جنبش معلمان میانجی می‌شود، بین عده ای ناراضی که در نظام آموزشی وجود دارند و مدیریت نظام آموزشی یا مدیریت نظام سیاسی یا دولت. در جنبش‌های اجتماعی در سطح ملی هم در واقع میانجی می‌شوند بین تودم مردم، تودم بی‌نظم و در واقع بین سازمان مردم با نظام حکمرانی. کارکرد دوم جنبش‌های اجتماعی ایجاد

و بالا بردن آگاهی است. هم تولید آگاهی کنند و هم آگاهی را افزایش و ارتقا بدهند. در واقع نفس شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی خودش ملتزم نوعی دگردیسی است. به اعتبار دیگر شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی مبتنی بر نوعی از ایجاد مشروعیت آن نظام یا مدیریت نظام است. وجود جنبش اعتراضی معلمان به این معنا است که نظام آموزشی دچار مشکلات و مسائل اساسی و جدی است و برای همین هم مشروعیت آن مورد سوال است. علاوه بر آن وجود جنبش اعتراضی معلمان نشان این است که وضعیت موجود وضعیت اجبارگونه نیست. یعنی اینکه گروه‌هایی می‌توانند نسبت به وضعیت موجود اعتراض کنند و عده ای را وارد گروه‌شان کنند بعد تلاش کنند برای طرح بحث.

این پژوهشگر اجتماعی در ادامه این بحث افزود: جنبش‌های اجتماعی یعنی ثباتی که وجود دارد در واقع به نوعی بی‌پایه است و می‌شود که با حرکت جمعی آن را مورد نقد قرار داد و به نوعی تشویق می‌کنند که مردم، جامعه، به سرنوشت خودشان بیاندیشند و بتوانند دیگران را با خودشان همراه کنند که می‌توانند سرنوشت‌شان را تغییر بدهند. کارکرد سوم جنبش‌های اجتماعی هم ایجاد یک نیروی اجتماعی فشار است برای این تغییر. یعنی اینکه معمولاً ساختارها مقاومند در مقابل تغییر. و به خودی خود تغییرات لازم را انجام نمی‌دهند. البته اجازه بدهید بگویم ساختارهای غیردموکراتیک، ساختارهای اقتدارگرا مقاومند در مقابل تغییر و سعی می‌کنند که ساختار را به همان شکل موجودش حفظ کنند؛ می‌ترسند از تغییر. در ساختارهای دموکراتیک یک سیستم خوداصلاحی وجود دارد که اساساً تغییر رکنی از ارکان ساختار است. دائم دنبال تغییراند برای این‌که می‌دانند این تغییر آن‌ها را به روز می‌کند، آن‌ها را موثرتر می‌کند، کارآمدتر می‌کند، اثربخش‌تر می‌کند. ولی ساختارهای اقتدارگرا در واقع ساختارهایی هستند که هیچ‌وقت داوطلب تغییر نیستند، بلکه تغییر به واسطه فشار بیرونی‌ای است که به آن‌ها وارد می‌شود.

وی افزود: جنبش معلمان در یک شرایط عادی، در شرایط معمول نظام آموزشی و در یک شرایط معمول حاضر نیست به حقوق معلمان توجه کنند. حاضر نیست به اصلاح نظام آموزشی توجه کند، حاضر نیست در سیاست‌های جمهوری لیبرالی مثل خصوصی‌سازی تجدید نظر کند. ولی موقعی یک جنبش اجتماعی شکل می‌گیرد که مثل جنبش معلمان، ناچار است به هر تقدیری میزانی از عقب‌نشینی را انجام بدهد. در کل ساختار سیاسی و در کل نظام حکمرانی هم همین است. البته نظام‌های اقتدارگرا عقب‌نشینی نمی‌کنند مگر اینکه یک نیروی اجتماعی موثری در مقابلش قرار بگیرد

که وادارشان کند به تغییر. چون هر تغییری مستلزم بازتولید قدرت و ثروت است و نظام‌های انحصارگرا حاضر نیستند به این بازتولید قدرت و ثروت اجازه و فرصت بدهند.

### چهار چشم‌انداز مشخص در برابر جنبش‌ها

دکتر سعید مدنی در ادامه بحث خود پس از برشمردن کارکردهای یک جنبش اجتماعی به چشم‌اندازهای پیش‌روی یک جنبش اشاره کرد و گفت: خوب با چنین کارکردهایی که در واقع هر کدام در موقعیت‌ها و جایگاه‌های مناسبی به اصطلاح اعمال می‌شود، می‌توان گفت که در برابر جنبش‌ها چهار چشم‌انداز مشخص وجود دارد. یعنی به طور کلی جنبش‌ها چهار نوع سرنوشت را ممکن است داشته باشند. تقریباً در مورد هم جنبش‌ها این محتمل است. جنبش‌ها را اینجا به عنوان یک موجود زنده فرض کنید، موجودی که متولد می‌شود، رشد می‌کند. حیات دارد، زندگی دارد و به میزانی که قدرت تطابق داشته باشد با شرایط خودش، قوت می‌گیرد، شکل می‌گیرد و هر موقع هم که نتواند که این امکان تطابق را از دست بدهد، از بین می‌رود و افول پیدا می‌کند بنابراین ما در واقع حیات و مرگ جنبش‌ها داریم. به این اعتبار جنبش‌ها چهار چشم‌انداز مشخص در برابرشان وجود دارد. و در دوره‌های مختلفی از این چهار چشم‌انداز قرار می‌گیرند. اول این است که جنبش‌ها موفقیت نسبی به دست می‌آورند یا کامل. یعنی به اهداف از پیش تعیین‌شده‌شان می‌رسند. ممکن است که مثلاً جنبش‌ها مطالبات محدودی داشته باشند مثل تغییر قوانین یا سیاست دولتها که به محض اینکه آن تغییر قانون یا آن سیاست اعمال بشود، اهداف مشارکت در جنبش دیگر آن انگیزه کافی را برای ادامه آن حرکت نخواهد داشت. یا حتی ممکن است که این قدر موفق بشوند که به رسمیت شناخته بشوند. یعنی جنبش‌ها به عنوان یک نیروی اجتماعی مقتدر از سوی دولتها، نظام‌ها به رسمیت شناخته بشوند و باز در این صورت ممکن است که به دلایلی دیگر نتوانند ادامه راه بدهند البته در قالب یک جنبش؛ بلکه در قالب یک سیستم یا یک نهاد رسمی فعالیت می‌کنند. دلایل مختلفی هم دارد، مثلاً این‌که بعد از این‌که به رسمیت شناخته می‌شوند آن اعتماد قبلی را دیگر معترضان به آنها ندارند، اعضایشان آن اعتماد قبلی را به آنها ندارند یا نه اساساً این‌که دیگر انگیزه‌ای برای ادامه این حرکت ندارند. بنابراین این امتیازدهی دولتها به جنبش‌ها ممکن است که این خطر را داشته باشد که آنها را رو به افول ببرد. البته این یک قانون یا یک قاعده قطعی نیست و می‌تواند که این امتیاز دولتها به تحرک بیشتر آنها منجر بشود. در واقع یکجوری ما را نزدیک می‌کند به

این دیدگاه که می‌گوید بعد از یک دور فشار و سختی برای یک نیروی اجتماعی، اگر یک دوره گشایشی نسبی ایجاد بشود، این گشایش نسبی آن جنبش را جری‌تر می‌کند به پیگیری مطالباتشان. زیرا می‌گویند که در واقع اولاً هم مطالباتشان را نمی‌توانند آسان برآورده کنند و ثانیاً می‌دانند که حالا که یک میزانی از موفقیت را به دست آوردند می‌توانند موفقیت بیشتری را کسب کنند. البته در مقابلش هم دیدگاه مارکسی وجود دارد که می‌گوید به نوعی این امتیازدهی دولتها، امتیازدهی موقت است و نوعی سوپاپ اطمینان است برای این‌که فشار اجتماعی را کاهش بدهد. حالا من بعد از این بیشتر راجع به این صحبت می‌کنم. ولی یک چشم‌اندازی که در مقابل این فشار قرار دارد این است که جنبشها قربانی موفقیت خودشان می‌شوند. اساساً این یک جمله معروفی است در مورد جنبشهای موفق و این‌که جنبش قربانی موفقیت خودش می‌شود.

مدنی در ادامه اشکال مختلف چشم انداز جنبشها افزود: حالت دوم یا سرنوشت دوم سرکوب است. سرکوب می‌تواند که جنبشها را برای کوتاه مدت یا میان مدت در واقع از صحنه خارج بکند. سرکوب یعنی چه؟ سرکوب یعنی افزایش ریسک برای فعالان جنبش. یعنی به طور معمول فعالان یک جنبش انتظار دارند که در قبال فعالیتی که می‌کنند یک هزینه‌ای را بدهند. زندان، اخراج یا چه می‌دانم کتک خوردن. خوب بعضی مواقع این می‌تواند که بسیار بیشتر از انتظار باشد و بنابراین ممکن است که متناسب با انتظار فعالان نباشد، در نتیجه مانع بخشی از فعالان جنبش از مسیری که دارند پیش می‌برند، بشود و باعث شود که حرکت خود را ادامه ندهند. احساس شکست بعد از هر سرکوب یکی از زمینه‌های چنین رفتاری هست. اما در نظر داشته باشیم که سرکوب همیشه به یک میزان جواب نمی‌دهد. چالز فیلیپ در این مورد مطالعه خوبی کرده، می‌گوید که سرکوب در دو تا مقطع می‌تواند انجام شود. یکی در مقطع بسیج است یعنی موقعی که جنبش هنوز قوام پیدا نکرده. در واقع جنبشها در سیر فرایند رشدشان مراحلی را طی می‌کنند. در واقع هیچ‌کنش اعتراضی از روز اول جنبش نیست بلکه اولش شورش است، بعداً این شورش تبدیل می‌شود به روابط شبکه‌ای، یعنی به دنبال این شورش افرادی که شورش کردند با هم روابط شبکه‌ای ایجاد می‌کنند، بعد این روابط شبکه‌ای به شکل‌گیری هویت منجر می‌شود، یک هویت شکل می‌گیرد بنابراین یک «ما» شکل می‌گیرد و بعد از این «ما» سازمان نامتقارن ایجاد می‌شود. از جمله اینکه در جنبشهای اجتماعی جدید نامتقارن است. یعنی یک سازمان کوچک مدیریت هم ایجاد می‌شود با یک بدن بزرگ شبکه‌ای. اگر تا قبل از این مرحله سوم و چهارم، یعنی شکل‌گیری هویت و در واقع

شکل‌گیری سازمان نامتقارن، سرکوب انجام بشود معمولاً جنبش‌ها خیلی دوام پیدا نمی‌کنند. و تأثیر سرکوب بسیار زیاد است؛ درازمدت است. اما موقعی که جنبش‌ها این شرایط را طی می‌کنند و در دوری بازیابی هویت یا سازمان نامتقارن هستند، تأثیرش کوتاه مدت و میان مدت است.

### گزینه سرکوب در برابر جنبش معلمان تأثیراتش کوتاه مدت است

سعید مدنی در همین زمینه بطور مصداقی به جنبش معلمان اشاره نمود و افزود: جنبش معلمان الان در واقع در مرحله چهارم است. یعنی همان‌طور که در ابتدای بحث گفتم تمام مختصات یک جنبش اجتماعی را دارد بنابراین سرکوب می‌تواند آن را به صورت کوتاه مدت تحت تأثیر قرار بدهد ولی در بلند مدت قطعاً نه. به همین دلیل هم هست که به نظرم به اصطلاح به رغم برخوردهایی که در طول سال‌های گذشته کمابیش انجام شده، تعدادی بازداشت شدند، تعدادی زندان شدند، با تعدادی برخورد فیزیکی در خیابان انجام شده یا اخراج شدند، جنبش معلمان به بقای خودش ادامه داده. بنابراین گزینه سرکوب در برابر جنبش معلمان همچنان قرار دارد اما چون در فاز نهایی شکل‌گیری یک جنبش است و قالب جنبش را گرفته بنابراین تأثیراتش کوتاه مدت است، مخصوصاً که سازمان شبکه‌ای خودش را دارد.

این جامعه شناس افزود: یک سرنوشت دیگری یا شکل سوم این چشماندازی که بر این جنبش‌ها وجود دارد این است که جنبش‌ها ارتقا پیدا می‌کنند، تکامل پیدا می‌کنند. جنبش‌ها در واقع به یک نوع پویایی و تکامل می‌رسند به این معنی که مثلاً از مبارز صنفی به مبارز سیاسی شیف‌ت می‌کنند، همه یا بخشی از این، یعنی تصور کنید که مثلاً جنبش زنان یا جنبش فمنیستی یک بخشی از آن وارد مبارزات سیاسی می‌شود و یک بخش دیگر هم در مبارز فمنیستی‌اش می‌ماند. از حوز اجتماعی به حوز سیاسی یک عده‌ای می‌آیند و یک عده‌ای نمی‌آیند. ولی در هر حال این نشان‌دهند ارتقای جنبش است. یا از مبارز صنفی به مبارز هویتی می‌آیند. مثلاً توی خیلی از جنبش‌های صنفی از جمله جنبش معلمان فعالان هویتی هستند مثلاً زنان هستند، زنان فمنیست هستند که تلاش می‌کنند برای بهبود و تساوی حقوق زنان. و اتفاقاً در همین اعتراضات اخیر دیدم که چقدر خانم‌ها فعال هستند و این نشان می‌دهد که جنبش فمنیستی هم در واقع در دل این جنبش معلمان جا دارد و دارد فعالیت می‌کند، تحرک دارد. یا ممکن است که از یک جنبش اجتماعی، از مبارز رادیکال به مبارز محافظه‌کارتر پیش برود یا برعکس، از یک موضع محافظه‌کارتر به یک موضع رادیکال‌تر برود. یا

ممکن است همه یا بخشی از جنبش از سازمان رسمی به غیر رسمی برود یا برعکس. پس بنابراین جنبشها به عنوان یک پدیدۀ زنده، از یک پویایی درونی برخوردارند که میتواند که آنها را از اینرو به آنرو کند. دائم دچار دگرگونی کند. مخصوصاً درون جنبشها، دیگر هم شما تجربه دارید، معمولاً یک کشمکشهای فکری، ایدئولوژیک، سیاسی در جریان است و این کشمکشها هم میتواند به پویایی و تحول جنبشها منجر بشود. بنابراین سرنوشت چنین جنبشی که دچار پویایی است این است که زایش میکند به اشکال دیگر فعالیت جنبشی یا حوزههای دیگر فعالیت جنبشی. مثلاً ممکن است که جنبش معلمان پیوند بخورد با جنبش دموکراتیک در ایران. در جنبش سبز دقیقاً این اتفاق افتاد. جنبش معلمان پیوند خورد به جنبش سبز. جنبش سبز یک جنبش دموکراتیک بود و جنبش معلمان یک جنبش صنفی. همین اتفاق در مراحل مختلف هم ممکن است بیفتد و به نوعی به ارتقای آن جنبش منجر بشود و در مواردی حتی ادغام صورت گیرد. البته در جنبشهای جدید باز این ویژگی وجود دارد که نوعی همزیستی ایجاد میشود، همگرایی و همزیستی. یعنی لزوماً این ادغام، آخرین گزینه نیست یا تنها گزینه نیست. به هر حال جنبشها از طریق همین پیوند زدن و درگیر شدن بحثهای درونی موجب تعمیق نظرات و دیدگاهها میشوند و بنابراین سوبههای جدیدی پیدا میکنند که به این میگوییم دینامیسم درونی جنبشهای اجتماعی.

سعید مدنی در ادامه این بحث گفت: «گزینه چهارم چشمانداز پیشروی جنبشها نوعی تفرق و شکاف است درون جنبش؛ که این میتواند به افول جنبش منجر بشود. مثلاً جنبشهای اجتماعی جدید از جمله جنبش معلمان هم از این ویژگی برخوردار است، در واقع به نوعی تکثر در درون خودش قائل است؛ و هویتهای مختلفی را در درون خودش پذیرفته؛ و بنابراین یک «ما»ی متکثر داریم. اگر جنبش به هر دلیلی این «ما» را مخدوش بکند، احتمال این دارد که دچار انشقاق بشود و در نتیجه این انشقاق دچار افول بشود. به ویژه این که ممکن است در این فرایندی که جنبش دارد پیش میرود با در نظر گرفتن این که جنبش معلمان اصولاً یک جنبش متکثر است و جامعۀ معلمان کشور از جهت ترکیب جنسیتی، هویتی، فرهنگی، دینی و مذهبی کاملاً متکثر است، این استعداد را دارد که به اصطلاح دچار تفرقه و شکاف بشود ولی ممکن است که مدیریت جنبش به این وقوف داشته باشد و در درون جنبش هم فرهنگ پلورالیزم در واقع رشد بکند و تقویت بشود و این اتفاق نیفتد.

بعضی موقعها هم البته در دورههای یا در دورههای سرکوب ممکن است که این اتفاق بیفتد که ناشی از نوعی احساس شکست است. اما در هر

حال جنبش‌ها اصولاً در چشمانداز نهایی یکی از این گزینه‌ها در سرنوشت‌شان وجود دارد؛ یا موفقیت نسبی یا کامل یا سرکوب، یا پویایی و تکامل جنبش و یا تفرقه و شکاف.

### چهار اصل اساسی رمز بقای جنبش معلمان

سعید مدنی پس از بحث چشم‌انداز جنبش‌ها به راز و رمزهای بقای جنبش معلمان پرداخت و گفت: اما حالا اگر بخواهیم که یک مقدار از این سطح نظری هم باز بیاییم پایین‌تر و وضعیت فضای اجتماعی ایران را توضیح بدهیم و چشمانداز جنبش معلمان را در ایران امروز توضیح بدهیم؛ باید بگوییم که چشمانداز جنبش معلمان با دو عامل می‌تواند توضیح داده بشود. عامل اول پویایی درونش است. یعنی الان دیگر به خوبی روشن است که پویایی درونی جنبش چقدر اهمیت دارد. چقدر به بقایش، به مواجهه با شرایط، به تطبیقش با شرایط کمک می‌کند. در جلسه قبلی هم گفتم یکی از عوامل مهم رمز بقای جنبش‌ها و به طور مشخص جنبش معلمان رعایت آن چهار تا اصل اساسی است. یعنی کاهش ریسک؛ البته توضیح دادم که بین محافظه‌کاری و کاهش ریسک تفاوت وجود دارد؛ محافظه‌کاری ناشی از خوی و خصلت طبقاتی در اجتماع است ولی کاهش ریسک به معنی عقلانیت شدید و هزینه-فایده کردن است در مقابل هر هزینه‌ای که جنبش معلمان می‌کند، باید محاسبه کنید که فوایدش چقدر است و آیا فواید بیشتر از هزینه هست یا نیست. این به معنی محاسبه ریسک است. دوم عامل خشونت است. جنبش معلمان باید به هر نحوی این روحیه و منش خشونت‌پرهیزی‌اش را ادامه بدهد و افزایش خشونت به معنی این است که به اصطلاح ریسک صورت می‌گیرد که به نوعی قدرت بسیجش و تداومش کاهش پیدا می‌کند. عامل چهارم مشارکت است. هر چقدر مشارکت‌طلبانه‌تر باشد، هر چقدر بتواند مشارکت بدنه را در فعالیت‌های جنبش افزایش بدهد، می‌شود گفت که بهای بیشتری دارد. و یکی هم وحدت و انسجام درونی در عین کثرت است که به نوعی الگوی وحدت در عین کثرت را باید رشد بدهد. یعنی بپذیرد که یک «ما»ی معلم است. جنبش معلمان با هویت مشخص، موضوع مبارزه مشخص هست که در آن دیدگاه‌های مختلف وجود دارد.

((لازم به ذکر است بخش‌های بعدی به زودی منتشر خواهد شد))